

حل ارزیابی های کتاب منطق ۱ بر اساس تجميع سوالات چاپ قدیم و ویرایش جدید

درس نهم

تذکر مهم: در چاپ قدیم، مباحث اصطلاحات مورد نیاز تعریف و روش های تعریف منطقی، در قالب چهار

درس زیر بیان شده است:

درس ۶ کلیات و اقسام آن

درس ۷ سلسله ترتب کلیات و تقسیمات دیگر آن

درس ۸ تعریف

درس ۹ اقسام تعریف، تقسیم و قواعد آن

ولی در ویرایش جدید همین مباحث خلاصه تر شده و در قالب دو درس زیر ارائه گردیده است:

درس ۶ تعریف

درس ۷ الگوی منطقی و روش ارائه تعریف

لذا در حل تمرینات، پرسش ها و خودآزمایی های چاپ قدیم مطرح می شود و در کنار هر پرسش، به آدرس همان پرسش، در ویرایش جدید هم اشاره می شود.

همچنین اگر پرسش جدیدی در ویرایش جدید بود که در چاپ قدیم مطرح نشده بود، در انتهای درس ۹ بیان می گردد.

پرسش

۱. اقسام تعریف را با ذکر مثال بیان کنید.

(ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی پایانی، پرسش ۷)

(ویرایش جدید درس ۷، ارزیابی پایانی، پرسش ۵)

اقسام تعریف عبارت است از:

۱. حد تام: تعریفی که در آن تمام اجزای ذاتی معرف بیان شده است

مانند «...» الانسان: حیوان ناطق

مانند «...» الانسان: جسم نامی حساس متحرک بالاراده ناطق

۲. حد ناقص: تعریفی که در آن برخی از اجزای ذاتی معرف بیان شده است

مانند «...» الانسان: ناطق

مانند «...» الانسان: جسم ناطق

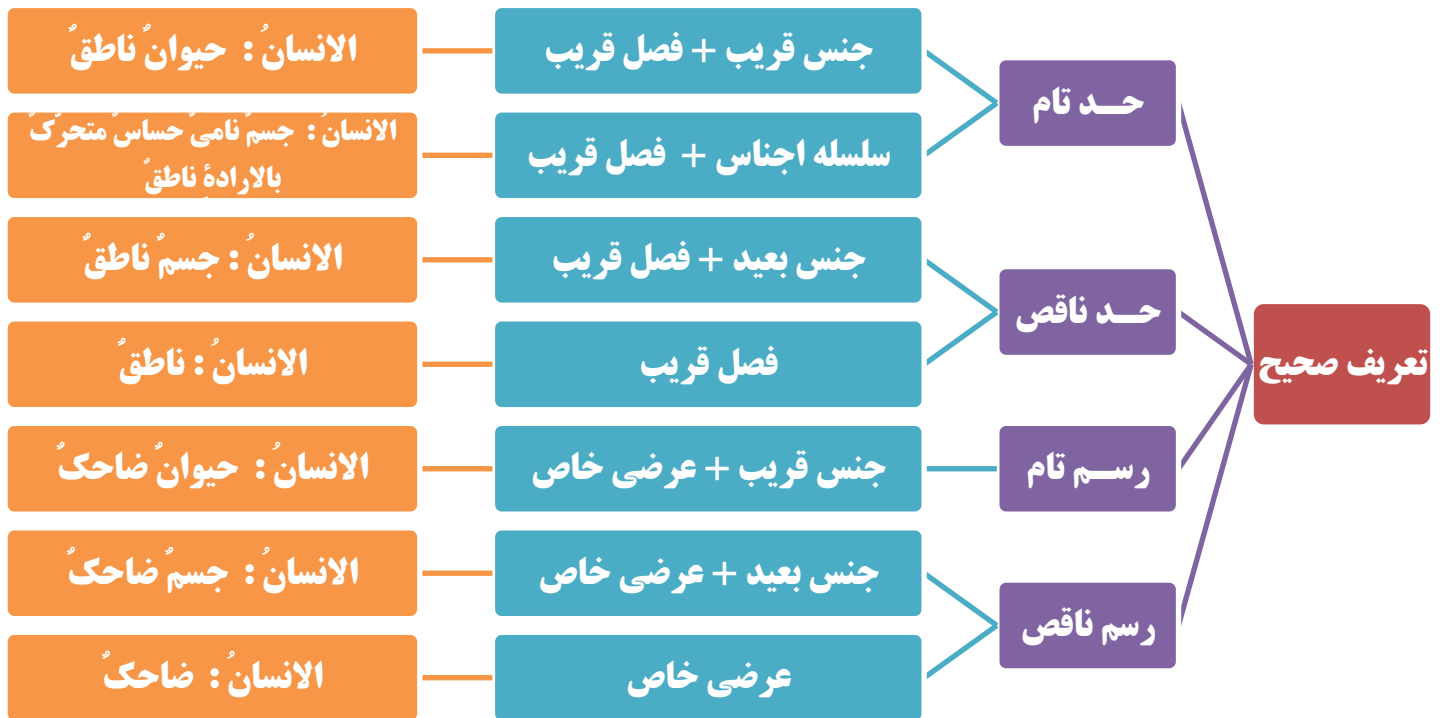
۳. رسم تام: تعریفی که علاوه بر عرضی خاص مشتمل بر جنس قریب نیز باشد

مانند ««« انسان: حیوان ضاحک»

۴. رسم ناقص: تعریفی که مشتمل بر جنس قریب نبوده و فقط بیانگر عرضی خاص باشد

مانند ««« انسان: ضاحک»

مانند ««« انسان: جسم ضاحک»



۲. از آنچه درباره حد تام و حد ناقص گفته شد چه نتایج به دست می آید؟

۱. به طور کلی، حد چه تام و چه ناقص، باید مشتمل بر فصل قریب باشد.

۲. حد تام و حد ناقص در مقایسه با محدود (معرف) به لحاظ مصداق مساوی اند.

۳. حد تام و حد ناقص هر دو در این جهت که محدود را از سایر اشیا ممتاز می کنند، مشترکند.

۴. حد تام به لحاظ مفهومی، مساوی با محدود است؛ ولی حد ناقص تساوی مفهومی با محدود ندارد.

۵. حد تام به دلیل این که اولاً، دال بر تمام حقیقت شیء است و ثانیاً، ممیز ذاتی شیء را بیان می کند کامل ترین تعریف است و به همین جهت حد تام نامیده می شود.

۳. از آنچه درباره رسم تام و رسم ناقص گفته شد چه نتایج به دست می آید؟

۱. در تعریف به رسم، غرض اصلی امتیاز شیء از سایر اشیاست.

۲. از آن جا که تعریف باید جامع و مانع باشد، لازم است که همواره در تعریف، فصل یا خاصه شامله به کار رود. در تعریف به رسم از خاصه استفاده می شود.
۳. رسم تام بدلیل اینکه علاوه بر عرضی خاص مشتمل بر جنس قریب نیز هست، نسبت به رسم ناقص کمال دارد.
۴. ضعیف ترین نوع تعریف، رسم ناقص است که در آن فقط به ذکر عرضی خاص اکتفا می شود.

۴. گونه های رسم ناقص را با ذکر مثال بیان کنید.

در نمودار سوال ۱ پاسخ داده شد.

۵. چگونه می توان در تعریف از تقسیم استفاده کرد؟

گاهی برای تعریف، تنها به ذکر تمام یا برخی از اقسام و اجزای آن بسنده می شود که به آن تعریف به تقسیم می گویند. تعریف به تقسیم، گونه ای از رسم ناقص به حساب می آید. بدلیل اینکه مجموع اقسام ذکر شده، عارض بر معرف می شوند و به آن اختصاص دارند.

شرط دستیابی به رسم ناقص (برای تمایز شیء از سایر اشیاء):

۱. تقسیم و تحلیل یک تصور مجهول به چند تصور معلوم

۲. ذکر تمام یا برخی از اقسام معرف

پس برای تقسیم این دو شرط باید رعایت شود.

۶. قواعد منطقی تقسیم را با ذکر مثال نام ببرید.

۱. فایده داشتن تقسیم: مثلاً تقسیم اسم به معرب و مبنی، در ادبیات مفید است ولی در منطق فایده ای ندارد.

۲. تباین داشتن اقسام: مثلاً تقسیم حیوان به انسان و اسب و شاعر نادرست است. چون شاعر خود یکی از اقسام انسان به شمار می رود و از حیث مصداق با آن تباینی ندارد.

۳. ملاک داشتن تقسیم: مثلاً تقسیم کتاب به فقه، فلسفه، کهنه، نو، خطی، چاپی و... نادرست است. چون در این تقسیم، ملاک واحدی در نظر گرفته نشده است.

۴. جامع و مانع بودن تقسیم: مثال: تقسیم کلمه به اسم، حرف، تام و ناقص، نادرست است.

چون: اولاً: فعل ذکر نشده است. ثانیاً: تام و ناقص که از اقسام کلام اند، ذکر شده اند.

از این رو، تقسیم مذکور نه جامع است و نه مانع.

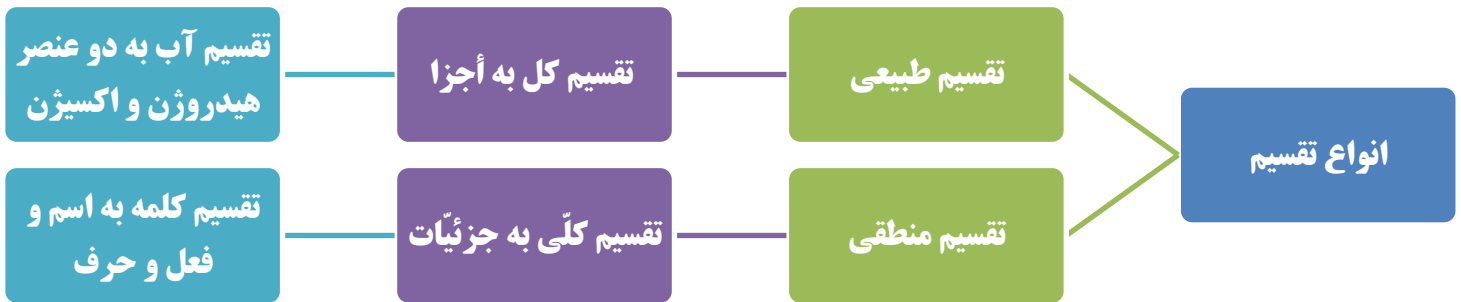
۷. حدّ تام را به چند طریق می توان ارائه کرد؟

در نمودار سوال ۱ پاسخ داده شد.

۸. حدّ ناقص را به چند صورت می توان بیان کرد؟

در نمودار سوال ۱ پاسخ داده شد.

۹. انواع تقسیم و روش های آن را با ذکر مثال توضیح دهید.



خودآزمایی

۱. تعریفی که از انضمام جنس بعید با عرضی خاص حاصل می شود ، چه نام دارد و مثال آن کدام است؟

- الف) رسم تام – جسم ناطق در تعریف انسان .
- ب) رسم تام – جسم نامی کاتب در تعریف انسان .
- ج) رسم ناقص – جسم ضاحک در تعریف انسان .
- د) رسم ناقص – جسم حسّاس در تعریف حیوان .

۲. رسم تام تعریفی است که از انضمام حاصل می شود .

(ویرایش جدید درس ۷ ، ارزیابی میانی ۲ ، پرسش ۴)

- الف) جنس بعید با عرضی خاص.
- ب) جنس بعید با فصل قریب.
- ج) جنس قریب با عرضی خاص .
- د) جنس قریب با فصل قریب .

۳. حد ناقص از کدام موارد فراهم می آید و مثال آن در تعریف حیوان کدام است؟

الف) جنس بعید و فصل قریب - جسم نامی حسّاس .

ب) جنس بعید و فصل قریب - جسم حسّاس .

ج) جنس قریب و فصل بعید - جوهر ماشی .

د) جنس قریب و فصل بعید - جوهر ماشی حسّاس .

مثال گزینه الف مربوط به حد تام است. چون جسم نامی، جنس قریب برای حیوان است.

۴. حد تام و رسم تام در کدام جزء مشترکند؟

(ویرایش جدید درس ۷، ارزیابی میانی ۲، پرسش ۱)

الف) جنس بعید .

ب) جنس قریب .

ج) فصل قریب .

د) عرضی خاص .

۵. وجه اشتراک حد ناقص و رسم ناقص کدام است؟

(ویرایش جدید درس ۷، ارزیابی میانی ۲، پرسش ۲)

الف) جنس بعید .

ب) فصل قریب .

ج) جنس قریب .

د) عرضی خاص .

۶. تعریف [انسان] به [جسم نامی کاتب] بیانگر کدام یک از اقسام تعریف است؟

الف) رسم ناقص .

ب) رسم تام .

ج) حد ناقص .

د) حد تام .

رسم ناقص = جنس بعید + عرضی خاص

انسان = جسم نامی + کاتب

۷. کدام یک از تعاریف، ماهیت و حقیقت معرف را به نحو کامل بیان می کند؟

(ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی میانی ۳، پرسش ۱)

الف) حد تام .

ب) رسم تام .

ج) تعریف به اعم .

د) تعریف به مصداق مساوی .

۸. اگر تعریفی مرکب از دو جزء جنس بعید و فصل بعید باشد، چگونه تعریفی است؟

- (الف) حد ناقص .
- (ب) تعریف به اخص .
- (ج) تعریف به اعم .
- (د) تعریف به مابین .

تعریف به جنس بعید و فصل بعید، تعریف به اعم است و مانع اغیار نیست

مانند تعریف انسان به [جسم نامی حساس] که مانع از ورود حیوانات دیگر در تعریف انسان

نیست.

۹. کدام یک حد ناقص انسان است؟

- (الف) جوهر ناطق .
- (ب) جوهر ضاحک .
- (ج) حیوان ناطق .
- (د) حیوان ضاحک .

در تعریف انسان به حد ناقص، [جنس بعید + فصل قریب] آورده می شود.

۱۰. حد تام متشکل از کدام اجزا و مثال آن در تعریف حیوان کدام است؟

- (الف) جنس قریب و فصل قریب - جسم حسّاس .
- (ب) جنس قریب و فصل قریب - جسم نامی حسّاس .
- (ج) جنس قریب و فصل متوسط - جسم حسّاس .
- (د) جنس متوسط و فصل قریب - جسم نامی حسّاس .

حیوان: جسم نامی + حساس «««« جنس قریب + فصل قریب

۱۱. فصل قریب جزء مشترک کدام گزینه است؟

(ویرایش جدید درس ۷، ارزیابی میانی ۲، پرسش ۲)

- (الف) حد تام و حد ناقص .
- (ب) رسم تام و حد ناقص .
- (ج) رسم ناقص و حد ناقص .
- (د) رسم ناقص و رسم تام .

۱۲. وجه اشتراک رسم تام و رسم ناقص کدام است؟

- (الف) جنس بعید .
- (ب) جنس قریب .
- (ج) عرضی خاص .
- (د) فصل قریب .

۱۳. در تعریف، ذکر کدام مورد ما را از ذکر اجناس و فصول بعید مستغنی می کند؟

الف) نوع سافل .

ج) نوع عالی .

ب) جنس قریب .

د) فصل قریب .

۱۴ . تعریف به اشباه و نظایر ، چه نوع تعریفی است ؟

الف) حدّ تام .

ب) حدّ ناقص .

ج) رسم تام .

د) رسم ناقص .

۱۵ . تعریف به مثال و تقسیم چه نوعی از تعریف است ؟

الف) حدّ تام .

ب) حدّ ناقص .

ج) رسم تام .

د) رسم ناقص .

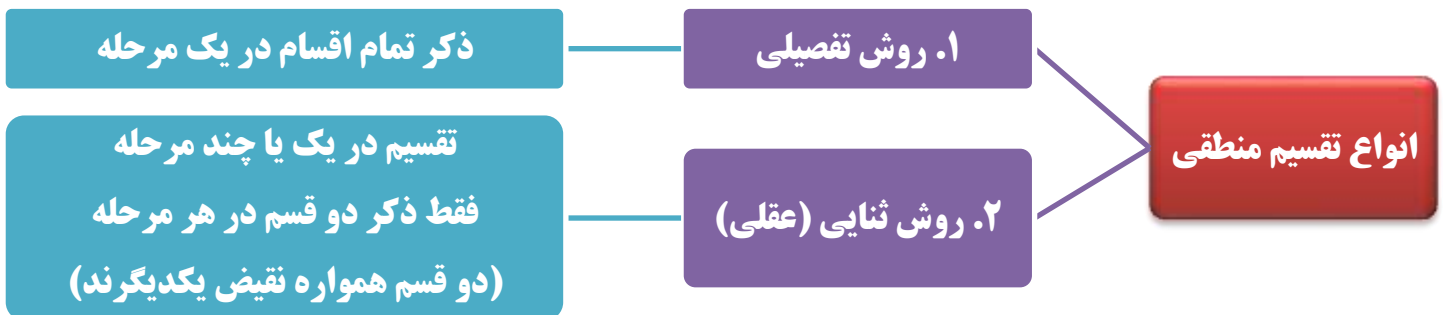
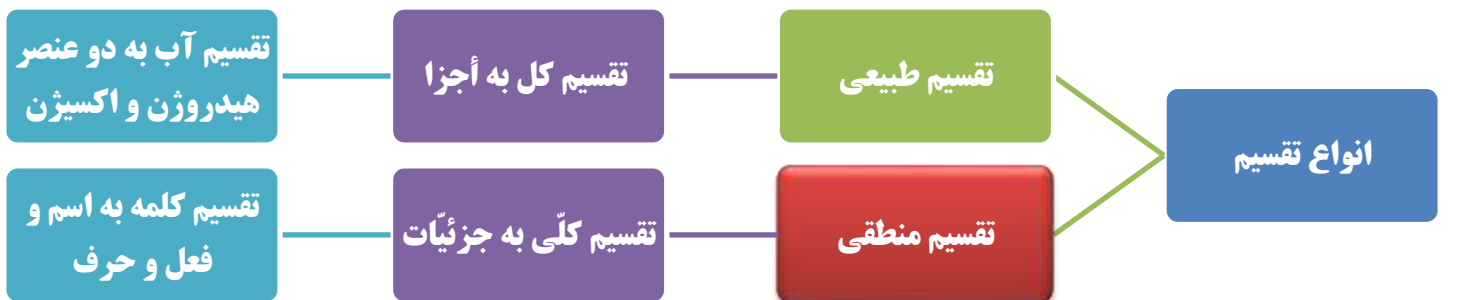
۱۶ . تقسیم ماشین به بدنه و موتور چه نوع تقسیمی است ؟

الف) تقسیم طبیعی .

ب) تقسیم منطقی .

ج) تقسیم ثنایی .

د) تقسیم کلی به جزئیات .



۱۷. اگر [کلمه] را به [اسم ، حرف ، تام و ناقص] تقسیم کنیم آن گاه تقسیم ،

(الف) جامع نخواهد بود .

(ب) مانع نخواهد بود .

(د) مفید فایده نخواهد بود .

(ج) جامع و مانع نخواهد بود.

۱۸. تقسیم به چند معنا به کار می رود ؟

(الف) تفصیلی و ثنایی .

(ب) طبیعی و منطقی .

(ج) استقرایی و عقلی .

(د) تفصیلی و منطقی .

۱۹. روش های تقسیم عبارت است از :

(الف) تفصیلی و منطقی .

(ب) ثنایی و طبیعی .

(ج) تفصیلی و ثنایی .

(د) منطقی و تفصیلی .

البته روش های تقسیم منطقی ، تفصیلی و ثنایی است و اگر نه تقسیم بطور کلی به دو نوع طبیعی و

منطقی ، می باشد.

۲۰. در تقسیم هریک از اقسام نسبت به یکدیگر چه نامیده می شوند ؟

(الف) مقسم .

(ب) اقسام .

(ج) قسیم .

(د) اجزا .

برای تفکر بیشتر

۱. آیا جنس عالی یا جنس الاجناس را می توان تعریف کرد ؟ چگونه ؟

چون اجناس عالی ، دارای ذات بسیط و غیر مرکب هستند ، پس مرکب از جنس و فصل نیستند و به همین خاطر تعریف به حد ندارند. ولی اجناس عالی را بوسیله اعراض آنها می توان تعریف کرد. مثلا در تعریف کیف که یک جنس عالی است ، می گوئیم : **الکیف هیئة قارّة لا یوجب تصوّرها تصوّر شیء خارج عنها و عن حاملها و لا یقتضی قسمة و لا نسبة فی اجزاء حاملها.**

۲. فرق های کلّ با کَلّی و جزء با جزئی چیست ؟

تفاوتها را آمیخته ذکر می کنیم :

۱. کل از اجتماع اجزا تشکیل می شود (کل بدن انسان از مغز، پا، دست، قلب و... تشکیل می شود)، اما کلی از اجتماع جزئیات تشکیل نمی شود (کلی انسان از حسن، فرهاد، زینب و... تشکیل نمی شود)

۲. کل بر اجزای خود قابل حمل نیست، ولی کلی بر افراد خود قابل حمل است؛ مانند این که نمی توان گفت «آجر ساختمان است»، اما می توان گفت «اسم کلمه است».

۳. وجود کل بدون وجود اجزا محال است و از عدم اجزا، عدم کل لازم می آید. مثلاً نمی توان خانه ای که سقف و دیوار نداشته باشد، ولی کلی ممکن است در خارج، فرد و مصداقی نداشته باشد، بلکه صرفاً در ظرف ذهن محقق باشد؛ مانند «کوه طلا»، «دریای شیر»، «سیمرغ» و....

۴. کل در خارج می تواند وجود داشته باشد، اما کلی فقط وجود ذهنی دارد.

۵. اجزای کل محصور است، اما جزئیات کلی محصور نیست و بی نهایت می تواند مصداق داشته باشد.

۶. کل نمی تواند جزو تعریف جزء خود باشد، ولی کلی می تواند جزو تعریف جزئی قرار بگیرد؛ مانند این که ساختمان نمی تواند در تعریف آجر قرار گیرد، ولی انسان می تواند در تعریف زید یا هند و... که از جزئیات و مصداقش هستند، قرار گیرد. مثلاً می گوییم زید چیست؟ می گوییم انسان است.

۷. سبقت تصور ماهیت کل بر تصور ماهیت جزء، واجب نیست، ولی سبقت تصور ماهیت کلی بر تصور ماهیت جزئی، واجب است.

۳. چگونه می توان به وسیله تقسیم، یک شیء را تعریف کرد ؟

تقسیم گونه ای از رسم ناقص است و در رسم ناقص عرضیات آورده می شوند و برای تعریف به تقسیم هم اقسام شیء که عرض های آن هستند، باعث تعریفش می شود.

۴. برای تعریف حقایق مادی، کدام قسم از اقسام تعریف مفید است ؟

هدف از تعریف اولاً و بالذات کسب صورت عقلی معرف است به گونه ای که با حقیقت خارجی برابر و مطابق باشد و تمیز معرف از اغیار، هدف ثانوی و فرعی است. از میان اقسام تعریف فقط حد نام است که به هدف اصلی نایل می شود و دیگر اقسام تنها می توانند موجب تمیز معرف از تمام اغیار

یا بعضی از آن‌ها شوند. لذا برای تعریفِ اشیاء خارجی و مادی که از چستی یک شیء بعد از علم به هستی آن، سؤال می‌شود، در صورت توان از تعریف حقیقی به حد نام استفاده می‌شود.

و اگر نتوانیم برای تعریفِ اشیاء خارجی، تعریف به حد ارائه کنیم، به تعریف به رسم اکتفا می‌شود و اگر نتوانیم تعریف به رسم هم ارائه کنیم، تعریف عملی مناسب خواهد بود که در آن برای تعریف شیء، نوعی عمل پیشنهاد شود تا با انجام آن، شناخت مصداق تعریف مورد نظر، ممکن شود. برای نمونه، اسید در معنای متعارف آن ترش مزه است. اما از نظر شیمیدان هر اسیدی ترش نیست؛ از این رو، او برای تشخیص اسید از غیر آن، تعریف عملی ارائه می‌دهد. «اسید، مایعی است که هر گاه ورقه آغشته به تورنسل در آن فرو رود، رنگ ورقه از آبی به قرمز تغییر می‌کند.»

۵. تقسیم به روش عقلی به چند طریق قابل تبیین است؟

اگر منظور از تقسیم عقلی، همان تقسیم ثنائی باشد، که یک روش بیشتر ندارد. ولی اگر مقصود از تقسیم عقلی، تقسیم منطقی باشد، به روش‌های زیر قابل تبیین است:

الف. تنويع: مقصود از تنويع، تقسيم جنس به انواع آن است؛ مانند تقسيم جسم به نامی و غیر نامی. در این تقسیم ویژگی‌های اقسام (که هر یک «نوع» نامیده می‌شوند) فصلهای مقوم آنها است.

ب. تصنیف: در این روش، جنس یا نوع، به عوارض اخص خودشان تقسیم می‌شوند؛ مانند تقسیم انسان به مسلمان و غیر مسلمان و تقسیم حیوان به خزنده و پرنده.

ج. تفرید: مراد از تفرید، تقسیم جنس یا نوع یا صنف به افراد آن است. در چنین تقسیمی، خصوصیت اقسام (که هر یک فرد نامیده می‌شود) عوارض شخصیه‌ای است که به مصادیق مقسم ضمیمه می‌شود؛ مانند تقسیم انسان به حسن، حسین و...،

تقسیم حیوان به این اسب و آن اسب و...،
و تقسیم عالم به این عادل و آن فاسق و....

۶. اقسام تقسیم منطقی و طبیعی کدام است؟

برای ارائه هر یک از تقسیم‌های طبیعی و منطقی، دو شیوه وجود دارد:

۱. روش تفصیلی: در این روش در یک مرحله، تمام اقسام ذکر می‌شود؛ مانند تقسیم مفرد به اسم و فعل و حرف و تقسیم آب به اکسیژن و هیدروژن.

۲. روش ثنایی (عقلی) : در این روش ، هر چند تقسیم می تواند دارای مراحل متعدد باشد اما در هر مرحله تنها دو قسم بیشتر نمی تواند ذکر شود؛ زیرا این دو قسم همواره باید نقیض یکدیگر باشند.

۷. راه تحصیل حدود و رسوم اشیا چیست ؟

حد یک شیء هرگز از طریق برهان ، استقراء ، تعریف ضد آن و تقسیم آن به اقسام مختلف به دست نمی آید. تنها راه تحصیل حد ، طریقه ترکیب (که به دو روش تحلیل ذهنی و تقسیم می باشد) است؛ یعنی، از راه بررسی اشخاص و جزئیات شیء موردنظر از این حیث که ذیل کدام یک از اجناس عالی واقع می شوند.

پس از آن که جنس الاجناس آنها به دست آمد، تمام ذاتیات و محمولات مقوم آنها (یعنی اجناس و فصول آنها) هم معلوم می شود، آنگاه با ترکیب آنها حد آن شیء به دست می آید.

برای تحصیل رسم هم ، از عَرَضِیَّات معرف استفاده می شود و اگر بتوان ذاتیاتی مانند جنس قریب یا جنس بعید را بدست آورد ، تعریف کاملتری ارائه خواهد شد.

ذکر سوالاتی که در درس ششم و هفتم ویرایش جدید موجود است و در سوالات چاپ قدیم ذکر نشده است :

ویرایش جدید درس ۶ ، ارزیابی میانی ۱ (سوال ۳ و ۴) :

۳. تعریفی درست است که

الف) تصویری کامل از معرف به دست دهد

ب) دست کم معرف را کاملاً از غیر آن جدا کند

ج) با تمام حقیقت معرف آشنا کند

د) با قسمتی از حقیقت معرف آشنا کند

۴. رسالت منطقی در منطق تعریف..... است.

الف) ارائه روش درست تعریف

ب) ارائه تعریف یک شیء مجهول

ج) چینش تصورات معلوم

د) تبدیل تصور مجهول به تصویری معلوم

ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی میانی ۲ (سوال ۵) :

۵. تعریف جسم به «اسطیسی دارای ابعاد سه گانه» چگونه تعریفی است؟

الف) تعریف به اعم

ب) تعریف به اخص

ج) تعریف به دور

د) تعریف به اخصی

ویرایش جدید درس ۶، ارزیابی میانی ۳ (سوال ۲ و ۳) :

۲. اساسی ترین نوع تعریف کدام است؟

الف) حد تام و رسم تام

ب) رسم تام

ج) حد تام

د) حد

۳. قواعد چهارگانه تعریف منطقی در کدام یک از الگوهای زیر یافت می شود؟

الف) حد تام

ب) رسم تام

ج) حد تام و رسم تام .

د) حد تام و ناقص، رسم تام و ناقص

ویرایش جدید درس ۷، ارزیابی میانی ۱ :

۱۱. «ناطق» و «حساس» به ترتیب نسبت به [انسان] است.

الف) فصل قریب - جنس قریب

ب) فصل قریب - جنس بعید

ج) فصل قریب - فصل بعید

د) فصل قریب - جنس متوسط

البته شاید بتوان گفت : حساس فصل متوسط برای انسان است و نامی و ذوابعاد ثلاثه فصل های
بعید برای انسان هستند.

پایان بخش تصورات

 https://Eitaa.com/Tadris_H

 <https://aparat.com/M.Asadi14>

دریافت درس ها و ارسال سوالات



Aparat.com/M.Asadi14



Eitaa.com/Tadris_H



Telegram.me/Tadris_MA



Asadi.Tadris@Gmail.com



ID : @Asadi14